انتظار مثبت از دیدگاه شهید مطهری

محمد سروش‌محلاتی: در دهه ۵۰ جریان انقلابی انتظار را به انقلاب تفسیر می‌کرد و وظیفه منتظران حقیقی را انقلابی‌بودن و مقاومت مقابل حکومت‌های فاسد می‌دانست. به اعتقاد «حجتیه» دوران انتظار باید صبر و خویشتنداری داشت. مسئولیت کم می‌شود و افراد باید به لحاظ شخصی صالح باشند اما وظیفه تغییر اجتماعی نداریم، چون این کار شدنی نیست و ظهور حضرت را هم که بعد از پرشدن دنیا از فساد رخ می‌دهد، به تاخیر می‌اندازد. اما استاد مطهری نه انقلاب را تجویز می‌کند و نه آن رکود و رخوت را تایید. او با تقسیم انتظار به مثبت و منفی، انتظار خلاق و سازنده و مسئولیت‌آور را سبب تکاپوی فرد و حرکت به سمت نقطه ظهور می‌داند. اما از نظر او انتظار منفی بهانه‌ای برای راحت‌طلبی و تنبلی و شانه خالی‌کردن از مسئولیت است که نقش ویرانگری دارد.

استنفورد به ایستگاه «اورلیوس و اپیکتتوس» رسید

نودوچهارمین شماره دانشنامه فلسفه استنفورد با عنوان «اورلیوس و اپیکتتوس» منتشر شد. این کتاب را راچانا کامتکار و مارگارت گریور نوشته و عفت جهانی ترجمه کرده است. «اورلیوس و اپیکتتوس» در ۱۰۵ صفحه، شمارگان ۱۱۰۰ نسخه با بهای هفت‌هزار تومان از سوی انتشارات ققنوس منتشر شد.

مساله دانشگاه از منظر آزادارمکی

کتاب «دانشگاه و چالش‌های جامعه ایرانی» نوشته تقی آزادارمکی منتشر شد. این کتاب در ۹ فصل و ۲۱۶ صفحه با شمارگان هزار نسخه و قیمت ۱۱هزار تومان توسط انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی روانه بازار کتاب شده است. این انتشارات پیش از این نیز در همین موضوع آثاری را به قلم عماد افروغ و ناصر فکوهی منتشر کرده بود.

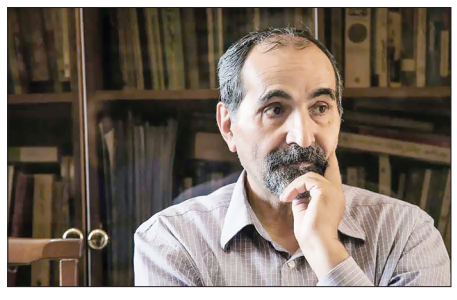

انتشار ۲ اثر جدید از علامه حسینی‌تهرانی

دو اثر جدید به نام‌های «شرح فقراتی از دعای ابوحمزه ثمالی» و «مبانی تشیع» شامل مجموعه‌سخنرانی‌های علامه حسینی‌طهرانی در قالب کتاب منتشر شد. «شرح فقراتی از دعای ابوحمزه ثمالی» کتابی دوجلدی است که شرح و ترجمه‌ای شیوا و دلنشین با محتوای عرفانی ـ اخلاقی از فقرات دعای شریف ابوحمزه ثمالی دارد که علامه آیت‌ا... سیدمحمدحسین حسینی‌طهرانی (در زمان پیش از انقلاب) در شب‌های ماه مبارک رمضان در مسجد قائم تهران ایراد فرموده که با مقدمه و تعلیقات فرزند ایشان، آیت‌ا... سیدمحمد محسن حسینی‌طهرانی در دو مجلد تدوین و تصویب شده است. «مبانی تشیع» نیز شامل هشت مجلس از بیانات معظم‌له در باب مسائل اعتقادی تشیع است که طی آن برخی مباحث کلامی مانند «خیر و شرّ و نسبیت آن»، «جبر و اختیار و منطق عایشه در جنگ جمل»، «بررسی قول عامه در عدالت مطلق صحابه» و ... از منظر عرفان الهی بیان شده است.

مهاجرت دانشجویان به رشته‌های علوم انسانی

انتخاب آگاهانه یا پیروی از مُد؟

گزارش

محدثه حسینی
روزنامه‌نگار

طبق آخرین آمار ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار دانشجو در مقاطع کاردانی، کارشناسی، ارشد و دکتری در ۲ هزار و ۵۰۰ موسسه آموزش عالی درحال تحصیل هستند. علوم انسانی با تعداد یک‌میلیون و ۹۷۰ هزار نفر دانشجو معادل ۴۶ درصد بیشترین دانشجو را دارد، کمترین سهم مربوط به رشته هنر یعنی ۵/۴ درصد است، سایر رشته‌ها ازجمله فنی مهندسی ۳۳/۴ درصد، علوم پایه ۷/۲ درصد، کشاورزی و دامپزشکی ۶/۳ درصد و علوم پزشکی که متولی آن وزارت بهداشت بوده دارای ۱/۳ درصد دانشجو هستند. تغییررشته از علوم فنی و پایه به علوم انسانی از سال ۸۴ تا ۹۴، در این یک دهه نسبت به سال‌های گذشته ۷ برابر شده که می‌توان آن را از نظر جامعه‌شناختی یک «موج» دانست. اما در این بین با وجود اینکه علوم‌انسانی بیشترین تعداد دانشجو را دارد، چند سالی است مهاجرت از دیگر رشته‌ها ازجمله فنی به آن افزایش یافته است.

طبق بررسی پژوهشکده مهاجر و آماری که با حمایت نقشه جامع علمی کشور در همین رابطه احصا شده، تغییر رشته از علوم فنی به انسانی شامل سه دوره است. دوره اول مربوط به قبل از سال ۵۷ است. این دوره متاثر از فضای حاکم در دهه ۵۰ و مباحث مطرح در آن دوره به‌خصوص مباحث روشنفکری دینی و شخص علی شریعتی است. فضای حاکم در دهه ۵۰، تاثیر بسزایی در علاقه‌مندی دانشجویان به علوم انسانی داشت که منجر به تغییر رشته به سوی علوم انسانی می‌شد. دوره دوم این سیل تغییر رشته، مربوط به دهه هفتاد است که متاثر از فضای سیاسی و گرم شدن فضای عمومی کشور است. دوره سوم این جریان در دهه هشتاد رخ داد و این موج تغییر رشته بیشتر در میان دانشجویان فنی و گاهی علوم پزشکی است. هفته گذشته در «کافه بهشت» دانشگاه شهید بهشتی، جمعی از دانشجویان برای واکاوی علل تغییر رشته نخبگان فنی و مهندسی و ورود به حوزه‌های مربوط به علوم انسانی با عنوان «مهاجرت به علوم انسانی» به همت اندیشکده مهاجر و میزبانی محمدقائم خانی به گفت‌وگو نشستند.

اندیشکده مهاجر، اندیشکده‌ای واقع در دانشگاه صنعتی شریف است که اعضا و موسسان آن همه دانشجویانی هستند که از رشته‌های فنی و مهندسی در مقطع کارشناسی‌ارشد و دکتری به رشته‌های علوم‌انسانی مهاجرت کرده‌اند.

محمدعلی حاجی‌عبدالوهاب ورودی سال ۸۴ رشته مهندسی عمران دانشگاه صنعتی شریف که بعد از ورود به دانشگاه، رشته فنی را رها کرده و در رشته جامعه‌شناسی (کارشناسی و کارشناسی‌ارشد) ادامه تحصیل داده است، از میهمان‌های این نشست بود.

حاجی‌عبدالوهاب حال و هوای خود در دوران دانشجویی در رشته مهندسی را این‌گونه تشریح می‌کند: «آن روزها در دانشکده، جمعی دانشجو بودیم که پس از گذشت مدتی هرکدام تغییر رشته دادیم. بعضی به تحصیلات حوزوی، بعضی به رشته‌های مدیریتی و دیگر رشته‌های علوم‌انسانی رفتند. علت این امر (یعنی تغییر رشته) احساس نیاز به اثرگذاری بیشتر در جامعه بود. در آن دوره مجموعه جلساتی با عنوان «جهت‌گیری تخصصی» برگزار می‌شد. هدف این جلسات بیشتر برای انتخاب‌رشته کارشناسی‌ارشد دانشجویان بود. در این جلسات فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف، روانشناسان (برای استعدادشناسی دانشجویان)، آینده‌پژوهان (درباره درآمدزایی و ارزیابی سمت‌وسوی جهان آینده) و نیز افراد سیاستگذار حضور داشتند.»

وی ادامه داد: «صحبت‌های فارغ‌التحصیلان در انتخاب‌رشته بسیار موثر است. فارغ‌التحصیل کسی است که مسیر را طی کرده و از دانشگاه تصویری واقعی دارد نه فانتزی. دانشگاه صرفا مدرک و بستری است برای آشنایی دانشجو با رشته‌ای که در آن تحصیل می‌کند و نه بیشتر. شخص برای رسیدن به آنچه در ذهن دارد، خود باید تلاش کند.»

یکی از دانشجویان حاضر با بیان این نکته که بیشتر دانشجویانی که تغییر رشته می‌دهند، بیشتر از میان دانشجویانی هستند که در فضای تشکیلاتی دانشگاه فعالیت داشته‌اند، گفت: «در دهه ۸۰، تشکیلات دانشجویی و فعالیت‌های دانشجویی بسیار جدی‌تر بوده است اما اکنون این‌گونه نیست.»

یکی دیگر از حاضران درباره رویکردهای سیاسی در دانشگاه‌ها گفت: «در دانشگاه شریف دانشجویان به‌واسطه چندین سالی که برای تحصیل وقت گذاشته‌اند، متقاضی تاثیرگذاری بیشتری در جامعه هستند، از طرفی هم رویکردها در دانشگاه شریف خیلی عمیق نیست و هیجانی است.»

میهمان دیگر این نشست، علی الماسی‌زند، فارغ‌التحصیل رشته مهندسی برق بود که به فلسفه هنر تغییر رشته داده است. الماسی یکی از علل اصلی تغییر رشته به علوم انسانی و وجه‌مشترک بین دانشجویانی که تمایل به تغییر رشته دارند را عامل «مذهبی بودن» دانست و گفت: «پس درگیر شدن با مفاهیم مربوط به دین، فلسفه و علوم اجتماعی، خیلی از دانشجویان را به خواندن جدی‌تر این مباحث ترغیب می‌کند.» الماسی در پاسخ به چرایی برآورده نشدن توقعاتش در رشته فنی گفت: «در دانشکده‌های فنی همواره دانشجویان نسبت به مسائل سیاسی - اجتماعی سطحی‌نگر و هیجانی عکس‌العمل نشان می‌دادند. درواقع جست‌وجوی حقیقت و اراده به عمیق‌شدن در مسائل، موجب این تغییر رشته بود.»

الماسی افزود: «در جامعه نگاه قشری، فضای مهندسی و علوم فنی را اصیل‌تر می‌داند، در حالی که علوم انسانی، علوم مبنایی و زیرساختی هستند.»

الماسی در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان تربیت نخبگان و کسانی که بار هدایت سیاسی جامعه را به عهده می‌گیرند را به دانشکده‌های علوم انسانی موجود سپرد؟ گفت: «خیر، اما این گناه دانشکده علوم انسانی نیست. دانشکده‌های علوم انسانی تضعیف شده‌اند. این دانشکده‌ها در سال‌های گذشته به دلیل بیماری نظام آموزشی کشور، از نظر نیروی انسانی و دانشجو بد تغذیه شده‌اند.»

وی افزود: «اگر هدایت تحصیلی به درستی انجام شود، این میزان استعدادها از بین نخواهد رفت. از طرفی علوم انسانی در دانشگاه‌ها نیز مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. مثلا در دانشگاه شریف چند نشریه ادبی و فرهنگی منتشر می‌شود، با کاغذهای گلاسه و تمام‌رنگی، و این درحالی است که مثلا در دانشکده ادبیات دانشگاه علامه طباطبایی، چند نشریه محدود سیاه و سفید منتشر می‌شود که گهگاه هزینه آن را دانشگاه متقبل نمی‌شود و دانشجو هزینه می‌کند و با آوردن فاکتور، پس از گذراندن مراحل اداری هزینه‌ها پرداخت می‌شود. و این نمونه‌ای از تضعیف دانشکده‌های علوم انسانی است.»

> صفدری با بیان این پیش‌فرض که دانشگاه‌های ایران به‌طور کلی چاله‌هایی هستند که دانشجو را اقناع نخواهند کرد، گفت: دانشجو فارغ از اینکه در کجا درس می‌خواند تنها باید از علاقه خود نسبت به رشته‌اش مطمئن باشد. این علاقه با مطالعه چند کتاب تخصصی یا صحبت کردن با افرادی که در آن رشته تحصیل کردند، به دست خواهد آمد

الماسی در پایان خاطرنشان کرد: «بسیاری از دانشجویان از وضع موجود در دانشگاه‌ها اطلاعی ندارند، اما امید به تصحیح وضع موجود، وجود دارد. ای کاش دانشجویان با علاقه به علوم انسانی متوجه شوند ما جزء کسانی هستیم که موفق به تغییر رشته شده‌اند و بسیاری همچنان در حسرت این تغییر هستند. بسیاری از دانشجویان موفق به تغییر رشته به دلایل مشکلات زندگی و معیشتی و یک عده نیز اصلا متوجه علایق و استعدادهای خود نمی‌شوند.»

سومین میهمان این نشست، ابوطالب صفدری است. صفدری نیز از «مهندسی مکانیک» به «فلسفه علم» تغییر رشته داده است. صفدری با بیان این پیش‌فرض که دانشگاه‌های ایران به‌طور کلی چاله‌هایی هستند که دانشجو را اقناع نخواهند کرد، گفت: «دانشجو فارغ از اینکه در کجا درس می‌خواند تنها باید از علاقه خود نسبت به رشته‌اش مطمئن باشد. این علاقه با مطالعه چند کتاب تخصصی یا صحبت کردن با افرادی که در آن رشته تحصیل کردند، به دست خواهد آمد.»

صفدری درباره موقعیت‌های شغلی دانشجویان افزود: «دانشجویانی که در رشته مهندسی و فنی یا در علوم انسانی تحصیل می‌کنند، هر دو یکسان هستند و به‌نوعی می‌توان گفت هر دو «صفر» هستند. این تصور اشتباه است که دانشجوی فنی مهندسی قرار است میلیاردر شود و دارای شغل و جایگاه بالای اجتماعی است. رشته علوم‌پزشکی تنها رشته‌ای است که در ایران منجر به ثروت می‌شود.»

وی افزود: «در تغییر رشته از فنی و مهندسی نباید این دیدگاه وجود داشته باشد که شخص از یک بهشت به یک باتلاق وارد می‌شود، بلکه دانشجو از یک باتلاق وارد یک باتلاق دیگر می‌شود.»

صفدری معتقد است در بعضی موارد علوم انسانی از رشته فنی مهندسی جلوتر است. او می‌گوید: «در رشته‌هایی مثل فلسفه که تعداد دکتری این رشته تنها ۵ نفر است در مقابل تعداد دکتری رشته مکانیک، مثلا ۵۰۰ نفر است، آن هم در اقتصاد ما که ممکن است تنها ۵ نفر «دکتری مکانیک» نیاز داشته باشد.»

صفدری در بیان نکته مهم بعدی گفت: «جهان امروز به‌شدت وابسته به خلاقیت‌های فردی است. جهان، پویا و دستخوش تغییرات است. شخص نیز باید در حال تغییر، تفکر انتقادی و خلاقیت باشد. این ویژگی‌ها در علوم انسانی بیشتر نمایان است. اینکه فردی که وارد علوم‌انسانی می‌شود، شغل مناسبی به دست آورد، به خلاقیت فرد بستگی دارد. توانایی در کلام، استدلال‌ورزی و تفکر انتقادی در علوم انسانی بسیار حائز اهمیت است، در حالی که در علوم فنی به این میزان دارای اهمیت نیست.»

صفدری همچنین بر آن است که: «مهم نیست شخص در کدام دانشگاه و رشته در حال تحصیل است بلکه دانستن «چرایی بودن در آن نقطه» است که بسیار مهم است.»

صفدری درباره تغییر رشته معتقد است: «چرایی تغییر رشته بسیار مهم است. اگر این چرایی وجود داشته باشد تمام زحمات شخص واجد ارزش می‌شود.»

صفدری در جواب به این سوال که آیا می‌توان پرورش نخبگان و هدایت‌کنندگان جامعه را به دانشکده‌های فنی سپرد، گفت: «این کار اشتباه در اشتباه است. اگر چنین کاری به علوم انسانی سپرده شود، حداقل شخص ممکن است به این موضوع فکر کند. مسئولان مهندسی درک درستی از مسائل اجتماعی و فرهنگی ندارند. حداقل در علوم انسانی درک اولیه‌ای درباره این مسائل وجود دارد.»

> زیاد شدن این تغییر رشته‌ها نشانه یک مساله جدی و نقص در مسیر دانشجویان است. این موج تغییر رشته از جهتی نشانگر ضعف نظام آموزش عالی است نمی‌توان کلی صحبت کرد. یک عده ممکن است تغییر رشته را براساس تفکر یا عده‌ای نیز متاثر از موج و مد انجام داده باشند اما همه اینها دلالت بر وجود نقص در مسیر انتخاب این افراد دارد

صفدری ادامه داد: «با نگاهی گذرا به پیشرفت کشورها می‌توان دید پیشرفت تنها در یک زمینه خاص وجود ندارد بلکه در همه زمینه‌ها - مثلا اقتصادی، فرهنگی، ورزشی، علمی و... - پیدا می‌شود و در کشورهای توسعه‌نیافته، همه مسائل توأمان عقب هستند.»

وی در ادامه توضیح داد: «در ایران در علوم انسانی سرمایه‌گذاری نشده است و نیروهای انسانی باهوش به رشته‌های مهندسی و درچند سال اخیر به رشته‌های پزشکی می‌روند. نتیجه چه شد؟! با وجود این همه مهندس در صنعت هیچ حرف جدی‌ای هم زده نمی‌شود.»

الماسی زند در پاسخ به صفدری گفت: «این مورد به‌خاطر وجود ضعف مدیریتی است. ایران مهندسان خوبی دارد که به کار گرفته نمی‌شوند اما در اروپا و آمریکا کارآمدند چون به کار گرفته و مدیریت می‌شوند. ما نیاز به مدیریت داریم. کسی که نیروی انسانی را مدیریت کند و بستر را برای پیشرفت آماده کند نداشته‌ایم؛ چراکه بستری برای تربیت و کشف چنین اشخاصی نبوده است. این بستر همان علوم انسانی پویا و ریشه‌دار است. زیرساخت‌های مورد نیاز وجود ندارد. در رشته‌های فنی به صورت جزئی پیشرفت وجود داشته است اما منتج نشدن تولید و فعالیت‌های صنعتی به تکنولوژی اصیل و بومی، به علت عدم‌ارتباط صنعت با علوم انسانی است.» صفدری ضمن تصدیق الماسی، افزود: «بدون پرداختن به علوم انسانی، نیروهای رشته فنی هم از دست می‌رود. در ایران به علوم انسانی عنایت نشده و به نظر نمی‌رسد قصد التفات هم داشته باشیم، بنابراین به مدیریت زمینه‌های فنی هم عنایت نداشته‌ایم و نداریم.»

صفدری در رابطه با تغییر رشته به علوم انسانی، لازمه تغییررشته را فاکتور علاقه دانست و تاکید کرد: «از فاکتور علاقه، حدود ۹۵درصد فرد باید از تغییر رشته مطمئن شود. موفقیت انسان در جایی است که استعداد دارد و استعداد انسان در جایی است که به آن علاقه دارد، با علاقه است که فرد پشتکار به خرج می‌دهد. موفقیت فرد به پشتکار او بستگی دارد.»

حاجی‌عبدالوهاب نیز درباره تغییر رشته افزود: «تغییر رشته تحصیلی اصلا تصمیم ساده‌ای نیست و کل زندگی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. شخص پیش از تغییر رشته باید آگاهی کامل را به دست بیاورد و تصمیم درستی بگیرد. کسانی هم بودند که تغییر رشته داده‌اند و بعد پشیمان شده‌اند اما شرایط گذشته را نداشتند تا باز بتوانند تغییر رشته دهند. شخص برای چند مرتبه توان ذهنی انجام این کار را ندارد.»

محمدقائم خانی میزبان نشست، نکته مهم و مثبت تغییر رشته را چنین برشمرد: «با مطالعه جریان تغییر رشته، نتیجه‌ای باارزش‌تر و مهم‌تر از خود تغییر رشته را می‌توان ملاحظه کرد. این نتیجه ما را به آینده ایران امیدوار می‌کند و نام آن را می‌توان «مسیر بلوغ» گذاشت. در این جریان، شاید اولین‌بار است که دانشجو تصمیم مهمی می‌گیرد و مسئولیت تصمیم خود و نتیجه این تصمیم را عهده‌دار می‌شود.»

وی افزود: «پیش از بلوغ تفکر انتقادی در کار نیست و فرد اساسا نمی‌تواند درباره آنچه می‌خواند یا می‌شنود، تفکر و چون و چرا کند. یکی از مهم‌ترین خلأهایی که در آموزش و پرورش وجود دارد، این است که اصلا عادت به تفکر انتقادی وجود ندارد. اکثریت تغییر رشته‌ها دلالت بر وجود تفکر انتقادی دارد.»

حاجی عبدالوهاب اما با این ارجاع موافقت نداشت: «این اتفاق لزوما مبتنی‌بر بلوغ نیست. مسیر با تغییر رشته آغاز می‌شود و سنگلاخ است. راه‌هایی هست که فرد باید به تنهایی باز کند و امکان گشودگی راه، از ابتدا مشخص نیست. تغییر رشته موجی است که می‌تواند مد باشد یا آنکه جریانی عقلانی باشد.»

الماسی‌زند هم در باب نسبت تغییر رشته و بلوغ چنین اظهار کرد که: «مهم‌تر از اینکه این انتخاب ناشی از بلوغ بوده یا خیر، این است که زیاد شدن این تغییر رشته‌ها نشانه یک مساله جدی و نقص در مسیر دانشجویان است. این موج تغییر رشته از جهتی نشانگر ضعف نظام آموزش عالی است.» وی با تصدیق حاجی‌عبدالوهاب ادامه داد: «نمی‌توان کلی صحبت کرد. یک عده ممکن است تغییر رشته را براساس تفکر یا عده‌ای نیز متاثر از موج و مد انجام داده باشند اما همه اینها دلالت بر وجود نقص در مسیر انتخاب این افراد دارد.»

صفدری اما جانب مد را نگرفت و اظهار کرد: «احتمال اینکه تغییر رشته یک موج بالغ باشد، زیاد است.»